

آیات الهی

برای کودکان

جلد ۲



برای مطالعه‌ی والدین (تاثیر کلمه‌الله بر رشد روحانی اطفال)

*حضرت بهاء‌الله :

" أَنْظَرُوا فِي كَلِمَاتِ اللَّهِ، لِأَنَّكُمْ خُلِقْتُمْ لِإِصْغَائِهَا. " (ثالثی حکمت فقره ۱۲)

*حضرت بهاء‌الله:

" روح حیوان و کوثر زندگانی از کلمه‌ی الهی جاری بوده و هست. " (آیات الهی ۲ ص ۲۹۱)

*حضرت بهاء‌الله :

" کُنُوزِ عَالَمٍ بِهِ كَلِمَةُ الْهَيِّ، بِرَابِرِي نَمَائِد. قَدْرُ كَلِمَةِ اللَّهِ رَا بَدَانِ، بِهِ اَوْ تَمَسَّكَ نَمَا. " (اقتدارات ص ۳۶)

*حضرت بهاء‌الله :

" هر نفسی که یک ساعت خود را لِوَجْهِ اللَّهِ از حُجُبَات و اشارات مقدس کند و در آنچه از ملکوت الهی به لسان عربی و پارسی نازل شده تفکر نماید، تَاللَّهِ يَنْقَطِعُ عَنِ الْعَالَمِينَ . " (مجموعه خطی مشکین قلم ص ۸۳)

*حضرت بهاء‌الله :

" آباء باید کمال سعی را در تَدْيِينِ اولاد مبذول دارند چه اگر اولاد به این طراز اول فائز نگردد از اطاعت أَبَوَيْنِ که در مقامی اطاعةُ اللَّهِ است، غافل گردد و دیگر چنین اولاد، مُبَالَات نداشته و ندارد. " (مجموعه نصوص درباره تربیت بهائی ص ۱۲)

*حضرت عبدالبهاء :

" کَلِمَةُ اللَّهِ سَبَبُ حَيَاتِ رُوحَانِي اِسْت. " (مفاوضات ص ۸۹)

*حضرت عبدالبهاء :

" احبای الهی نباید از توصیه و تأکید حضرت بهاء‌الله مبنی بر قرائت آثار مبارکه در هر صبح و شام غفلت نمایند. " (مکاتیب ۲ ص ۱۸۵)

*حضرت عبدالبهاء :

" آثار الهیه را باید قدر و حیثیتی گذاشت. " (منتخبات مکاتیب فقره ۶)

*حضرت عبدالبهاء:

"قوهی کلمة الله... قوهی آسمانی است... قوهی روح القدس است." (مکاتیب ۳ ص ۳۹۳)

*حضرت عبدالبهاء:

"آیات غذای روح است، روح قوی می شود و بدون آن از کار می افتد." (گنجینه حدود و احکام ص ۱۵۱)

*حضرت ولی امرالله:

"شخص بهایی اگر توجه تام به این آثار مقدسه نماید... از هر محنت و مَشَقَّتِی و تَعَب و زحمتی و خطر و وَبالی و حزن و کَدّری در حیات مادی و ادبی و روحانی خویش محفوظ و مصون ماند." (توقیعات ۲۶ - ۱۹۲۲ ص ۶۵)

*حضرت ولی امرالله:

"تربیت و پرورش یک طفل بهایی چنانکه در آثار و الواح مقدسه مکرر تایید گردیده، مسئولیت اساسی مادر است که یگانه وظیفه ی وی ایجاد شرائطی در محیط خانه می باشد که بنحو اَتَم و اَحْسَن به سعادت و ترقی طفل هم در عالم مادی و هم در عالم روحانی مُؤَدّی گردد." (مجموعه نصوص مبارکه درباره تربیت بهایی ص ۱۰۳)

*بیت العدل اعظم الهی:

"عادت به تلاوت روزانه ی آیات الهی جزئی ضروری از هویت بهایی باقی خواهد ماند." (پیام منیع رضوان ۲۰۱۰)

*بیت العدل اعظم الهی:

"مطالعه و دقت در آیات الهی را دنبال کنید." (پیام منیع ۱۸ مارس ۲۰۰۹)

*بیت العدل اعظم الهی:

"اگر دوستان عزیز روحانی در بحر زَخَّار کلمات الهیه غور فرمایند، البته به رضای الهی و حیات ابدی فائز گردند." (پیام منیع ۱۲۲ بدیع)

«در سحرگاهان به ذکر دوست ذاکر
شوید و در صبحگاهان به یادش سر از
فِراش بردارید»



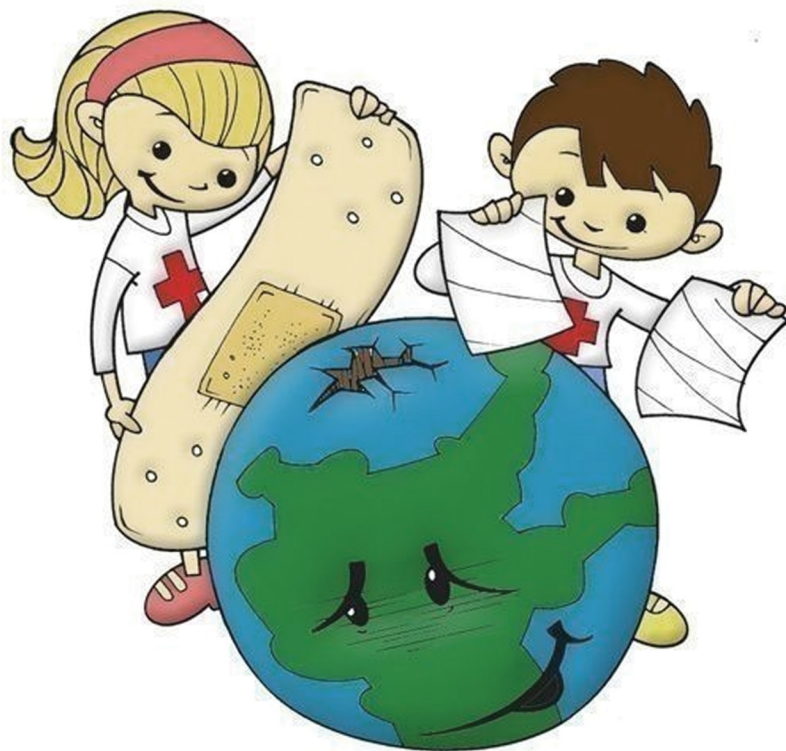
فِراش: رختخواب

«الَادَبُ قَمِيصِي بِهِ زَيْنَا هَيَاكِلُ عِبَادِنَا الْمُقَرَّبِينَ»



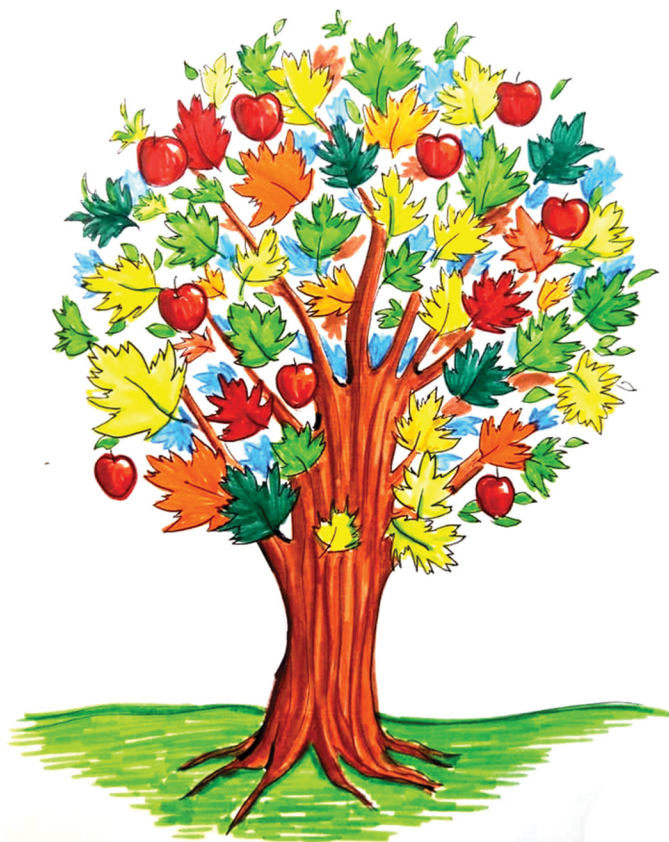
ادب پیراهن من است که به وسیله‌ی آن هیكل های بندگان خوبم را زیبا می‌کنم

«اصلاح عالم از اعمال طیبی طاهره و اخلاق راضیه مرضیه بوده»



با اعمال و اخلاق درست و نیکو و پسندیده، می‌توان دنیا را زیبا و درست کرد.

«بگو ای دوستان سراپرده‌ی یگانگی بلند
شد به چشم بیگانگان یکدیگر را مبینید.
همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار»



سراپرده: چادر - بار: میوه - دار: درخت

«از جمله اموری که سبب اتحاد و اتفاق می‌گردد
و جمیع عالم یک وطن مشاهده می‌شود آنست
که اَلْسُن مختلفه به یک لسان منتهی گردد و
همچنین خطوط عالم به یک خط.»



اَلْسُن: زبان ها

«شأن انسان، رحمت و محبت و شفقت و
بردباری با جمیع اهل عالم بوده و خواهد بود.»



شأن: مقام - شفقت: مهربانی- بردباری: صبر

«جمیع از برای اصلاح عالم خلق شده اند»



اصلاح: درست و بهتر کردن

«كُونُوا عُنْصُرَ اللِّطَافَةِ بَيْنَ الْبَرِيَّةِ»



اهل بهاء، بايد جوهر لطافت در بين مردم باشند.

لطافت: كلمه لطافت متضمن مفاهيم متعددِ صوری و معنوی است از قبيل ظرافت، آراستگی، حسن سلیقه، نظافت، ادب، حسن اخلاق، ملایمت، لطف و همچنین رقت، صفا، تنزیه و تقدیس و پاکی (قاموس کتاب اقدس ص ۲۵۰)

«به جان سعی نمایید تا به افعال از جمیع ناس ممتاز شوید.»



ناس: مردم - ممتاز: برتر و بهتر از سایرین

«لازمه ی انسان، انسانیت است.»



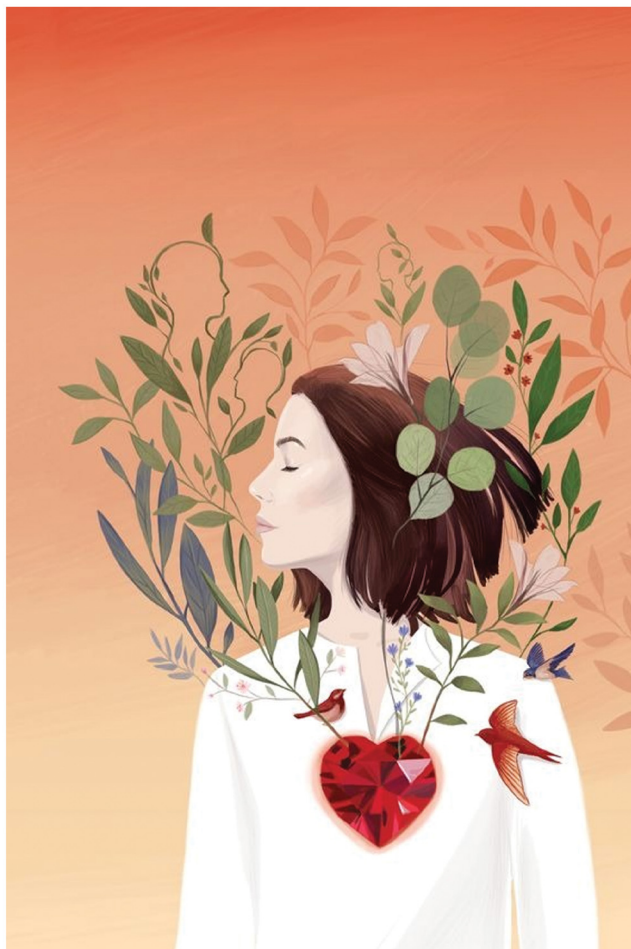
انسانیت: صفات حسنه و نیکو و اخلاق پسندیده

«انسان نباید جمیع همت را در خیال خود
مصرف دارد، باید در تَمَشِیَّتِ امور یکدیگر
به کمال سعی، توجه نماید.»



همت: تلاش - تَمَشِیَّت: راه انداختن و سروسامان دادن

«جهد نمائيد تا صفات و اخلاق الهييه از شما ظاهر شود.»



جهد: تلاش

«لسان مخصوص ذکر من است به غیبت میلائید.»



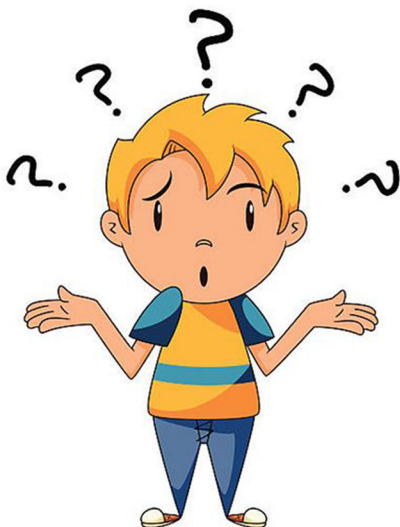
لسان: زبان
غیبت: پشت سر کسی حرف بد زدن به طوری که اگر به گوشش برسد ناراحت شود

«لسان را به سَبِّ و لَعْنِ اَحَدی مبالائید.»



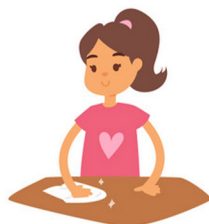
سَبِّ: حرف زشت - لَعْنِ: لعنت، نفرین

«گفتار درشت به جای شمشیر دیده
میشود و نرم آن به جای شیر.»



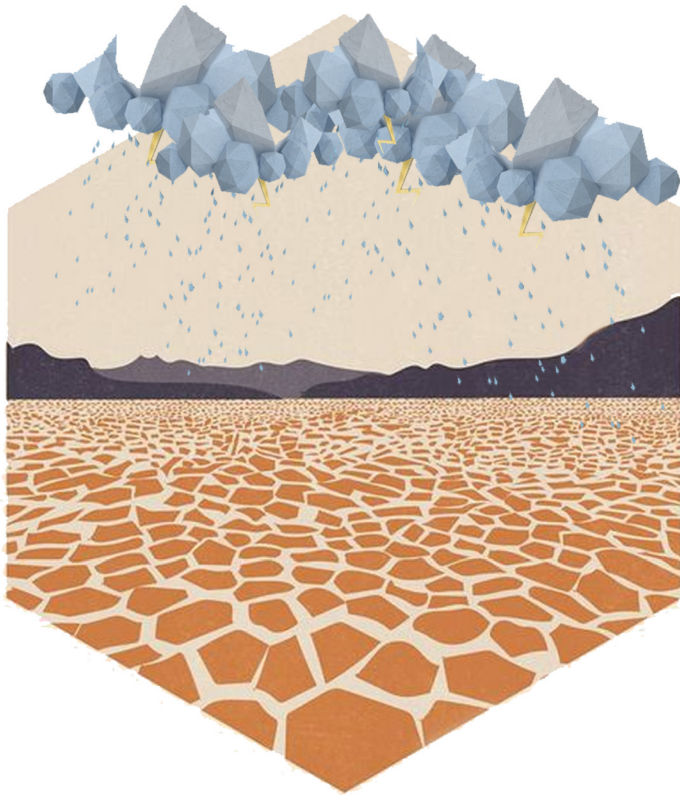
گفتار درشت: حرف تند و خشن

«رأس الايمان هُوَ التَّقَلُّ فِي الْقَوْلِ وَ التَّكْثُرُ فِي الْعَمَلِ»



اصل ايمان کم کردن از گفتار و افزودن بر عمل است

«تویی آن کریمی که اعمال بندگان،
بخششت را منع نمود»



«زبان، گواهِ راستی من است. او را به
دروغ میلائید.»



گواه: شاهد - میلائید: آلوده مکنید

«فساد و نزاع، شأن اهل حق نبوده و نخواهد بود.»



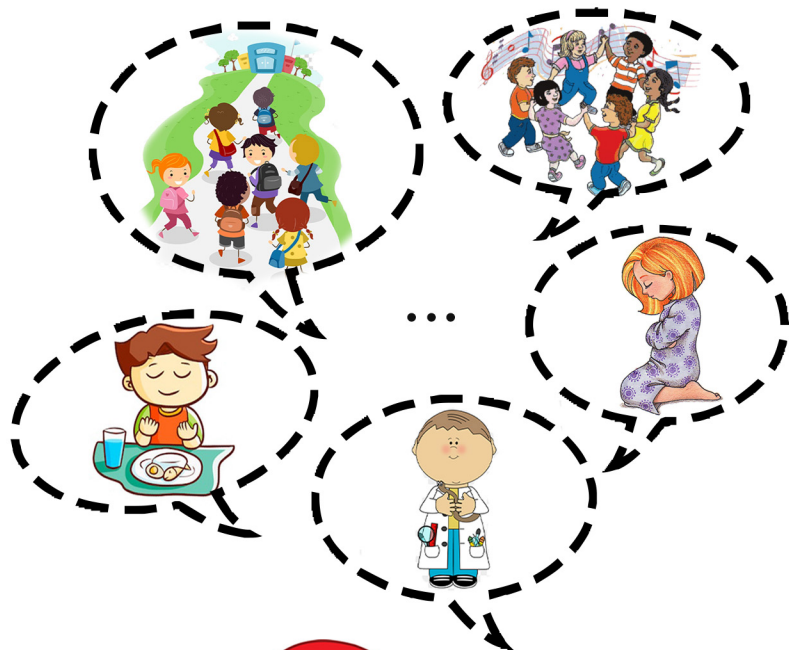
فساد: بد رفتاری - نزاع: دعوا - شأن: مقام

«ای بنده‌ی دوست، ندای دوست را از گوش
جان بشنو. مادامی که به او ناظری، او به
تمام چشم، به تو ناظر است.»



مادامی که: تا زمانی که - ناظری : متوجهی
به تمام چشم : با توجه کامل

«هر امری که قلب را راحت نماید و بر
بزرگی انسان بیفزاید و ناس را راضی دارد
مقبول خواهد بود.»



ناس: مردم- مقبول: مورد قبول

«بیان اگر به اندازه گفته شود
رحمت الهی است و اگر تجاوز نماید
سبب و علت هلاک.»



تجاوز: بیش از حد - هلاک : از بین رفتن

«ان شاء الله سعی کن که از تو اعمال
حق ظاهر شود و به ناری مشتعل باشی
که جمیع از تو کسب حرارت کنند.»



نار : آتش - مشتعل: روشن - حرارت: گرمی

«تویی آن خبیری که از اسرار قلوب و
نفوس و صدور آگاه بوده و خواهی بود.»



خبیر : آگاه و با خبر - صدور : قلبها و سینه ها

« طوبی از برای نفوسی که در تألیفِ قلوب، ساعی و جاهدند.»



طوبی: خوشا به حال - تألیف: محبت
ساعی و جاهدند: تلاش می‌کنند

« پست ترین ناس نفوسی هستند که
بی ثمر در ارض ظاهرند و فی الحقیقه از
اموات محسوبند.»



بی ثمر: بی فایده - ارض: زمین - اموات: مردگان
فی الحقیقه: درواقع

« امروز انسان کسی است که به
خدمتِ جميعِ مَنْ عَلَى الْأَرْضِ،
قیام نماید.»



جميعِ مَنْ عَلَى الْأَرْضِ: همه‌ی کسانی که روی زمین
هستند - قیام نماید: بلند شود

«لَاتَفْتَخِرْ عَلَى الْمِسْكِينِ بِإِفْتِخَارِ نَفْسِكَ لِأَنِّي
أَمْشِي قُدَّامَهُ وَ أَرَاكَ فِي سُوءِ حَالِكَ.»



کنار فقرا احساس برتری نکن چرا کہ من پیش روی او راه می‌روم
و تو را در آن حال بد می‌بینم.

«أَنْفِقْ مَالِي عَلَىٰ فَقْرَائِي لِتُنْفِقَ فِي
السَّمَاءِ مِنْ كَنْزِ عِزِّي لِاتَّفَنِي.»



ببخش مال مرا بر فقرای من تا این که به تو بخشیده شود در
آسمان، از گنج های بزرگ بی پایان

«یا حِزْبَ اللَّهِ، به خود مشغول نباشید؛
در فکر اصلاح عالم و تَهْذِیبِ اُمَمِ باشید.»



تهذیب: آراستن و پاکیزه کردن اخلاق و اعمال و اقوال از عیب و نقص

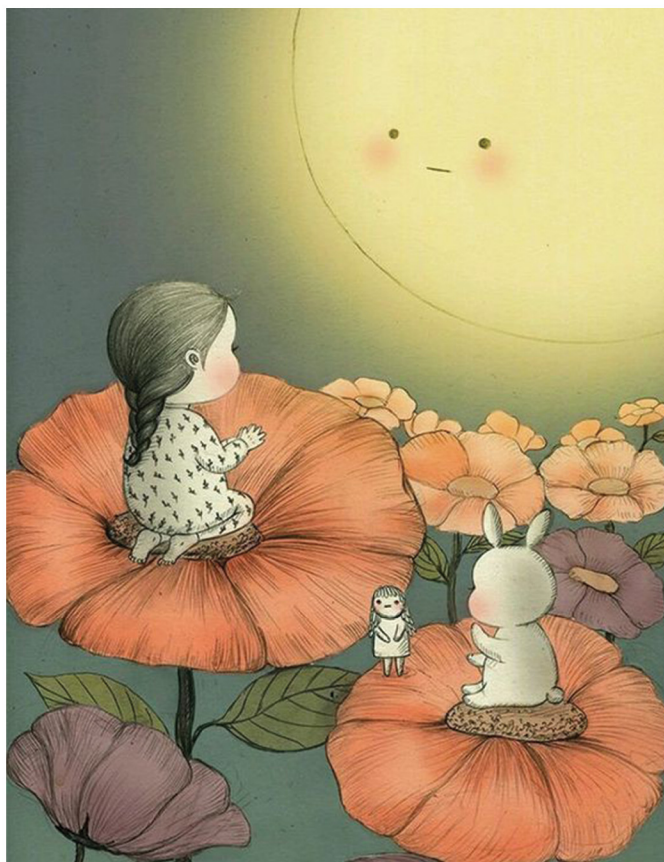
«ای پسر خاک، جمیع آنچه در آسمانها و زمین
است برای تو مُقَرَّر داشتم، مگر قلوب را که
محل نزول تجلی جمال و اجلال خود معین فرمودم.»



مقرر داشتم: قرار دادم

محل نزول تجلی جمال و اجلال خود معین فرمودم: خانه ی خودم قرار دادم

«الها تویی آن عَلیمی که هیچ امری از تو
مستور نبوده و نخواهد بود.»



عَلیم: دانا - مستور: پنهان

«كُنْ فِي النِّعْمَةِ مُنْفِقًا وَ فِي فَقْدِهَا شَاكِرًا.»



وقتی نعمت به تو می‌رسد بخشش و انفاق کن و وقتی نعمتی به تو نمی‌رسد
صبور و شاکر باش

«براستی می‌گویم هر امری از امور،
اعتدالش محبوب. چون تجاوز نماید
سبب ضرر گردد.»



اعتدال: اندازه - تجاوز: بیش از اندازه - ضرر: ضرر و زیان

«با کمال عدل و انصاف با یکدیگر معامله کنید.»



انصاف

عدل: از حقوق خود تجاوز نکردن، برای هر کسی آنچه را بخواهد که برای خود می خواهد - معامله : داد و ستد

«عَزَّوْا أَبْوَيْكُمْ وَوَقَّرُوهُمَا وَبِذَلِكَ يُنْزَلُ الْخَيْرُ
عَلَيْكُمْ مِنْ سَحَابِ رَحْمَةِ رَبِّكُمْ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.»



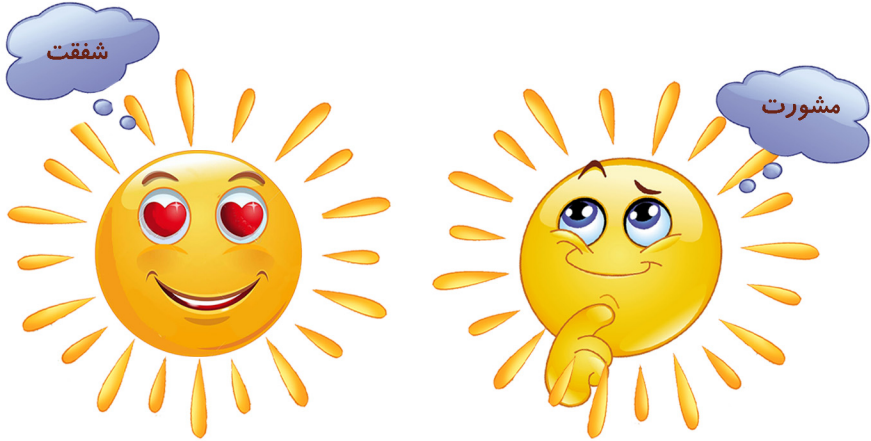
پدر و مادر خود را گرمی داشته و دوست بدارید و با وقار و احترام با ایشان رفتار کنید که بخاطر این رفتارشان خیر و برکت از آسمان رحمت و بخشش خدا بر شما نازل می‌شود.

«كُنْ لِلْمَظْلُومِ نَاصِرًا وَ عَضُدًا وَ ظَهْرًا.»



وقتی کسی را می‌بینی که مظلوم است، برای او کمک و پشتیبان باش.

«آسمان حکمت الهی به دو نیر روشن و مُنیر، مشورت و شفقت.»



حکمت: دانایی - نیر: خورشید

«اگر چه... به طراز اخلاق مُزینِی، ولکن هر
چه بر آن بیفزایی عِنْدَاللّهِ أَحَبُّ بُوْدَه.»



با این که اخلاق نیکو و خوب داری اما خدا دوست دارد که این اخلاق روز به روز
بهتر و بهتر شود.

« امید آنکه ما بین اولیاء، عَرَفِ الفت و
دوستی مُتَّصُوعِ گردد و با یکدیگر با محبت و
شفقت معاشرت نمایند.»



ما بین اولیاء: بین دوستان - عَرَفِ: بوی خوش - الفت: دوستی - مُتَّصُوعِ: پراکنده

«كُنْ فِي الْوَعْدِ وَفِيًّا.»



وقتی قولی میدهی به آن عمل کن

«طُوبَى لِمَنْ أَصْبَحَ قَائِماً عَلَى خِدْمَةِ الْأُمَمِ.»



خوشا به حال کسی که صبحش را با فکر خدمت به مردم آغاز می‌کند.